

متون ادب فارسی، بویژه متونی که در سیاست مُدُن یا به اصطلاح امروز علوم اجتماعی و جامعه‌نگاری نوشته شده، از بسیاری لحاظ غنی و سرشار از نکات و باریکیها و ظرافتهایی است که کل فرهنگ اسلامی جامعه روزگاران کهن کشورمان را تنیده است. بخشی از این نکات و باریکیها در باب زنان و کدخدایی خانه و یا بطور کلی خانواده و چارچوبه فرهنگی و تربیتی آن است. متن‌هایی که در زیر، از نظر خوانندگان عزیز می‌گذرد، برگرفته از بعضی متون محکم و منسجم ادب فارسی راجع به زن و خانواده و مسائل مربوط بدانست.

غزالی در کتاب نصیحة الملوك در باب هفتم که راجع به «صفت زنان و خیر و شر ایشان» است می‌نویسد:

پیغامبر صلوات الله علیه گفت: «خجسته‌ترین و با برکت‌ترین زن آنست که زاینده بود و بر روی نیکوتر بود و به کابین سبک تر بود. و گفت تا توانی زن آزاد گزین که ایشان پاکیزه تر باشند و مبارکتر.»

هر که صلاح کدخدایی جوید و روی خوب نیابد که بدو مشغول شود، زن پارسا بهتر و مبارکتر. و چون پارسایی آمد اصل و مال آمد، زیرا که ناپارسا را اصل نبود و به برکات پارسایی همه چیز بیاید. اینک ای برادر چون زن کنی، دین گزین نه نام که اگر نام و خواسته خواهی، آن هر دو ترا بیال گردد و اندرمانی و بیچاره گردی و زن ترا طاعت ندارد. و چون زن خواهی، کام رانیدن و شهوت را مخواه، بدان نیت خواه که دیندار بود و حصن دین تو باشد و یار بود ترا به طاعت و پرده بود ترا از

کتاب او را می‌خوانیم:

«و چون زن خواستی ای پسر، حرمت خود را نیکودار. اگر چند چیز عزیزست از زن و فرزند خود دریغ مدار ... اما چون زن کنی، طلب مال زن مکن و طلب غایت نیکویی زن مکن زن پاک روی و پاک دین باید و کدبانو و شوی دوست و پارسا و شرمناک و کوتاه دست و کوتاه زبان و چیز نگاهدارنده باید که باشد تا نیک بود که گفته‌اند: زن نیک عاقبت زندگانی بود. و اگر چه زن مهربان و خوبروی و پسندیده تو باشد، تو یکباره خویشتن را در دست او منه و زیر فرمان او میاش که اسکندر را گفتند: چرا دختر دارا را به زنی نکنی که بس خووست؟ گفت: سخت زشت باشد که چون ما بر مردان جهان غالب شدیم، زنی بر ما غالب شود. اما زن محتشم تر از خویشتن مخواه ... باید زنی رسیده و تمام و عاقله باشد. کدبانویی، کدخدایی مادر و پدر دیده باشد. تا چنین زنی یابی درخواستن او هیچ تقصیر مکن و جهد کن تا ویرا بخواهی ... اما چون زن را رشک‌نمایی و با وی دو کیسه نباشی بدانچه خدای تعالی ترا داده بود ویرا نیکو داری. از مادر و پدر و فرزند تو بر تو مشفق تر بود. خویشتن را از وی دوست تر کس مدار. و اگر غیرتش نمایی از هزار دشمن دشمن تر شود بر تو و از دشمن بیگانه حذر توان کرد و از وی نتوان کرد ... و زنان را به دیدار و نزدیکی هیچ مرد استوار مدار، اگر چه مرد پیر و زشت. و هیچ خادم را در خانه زنان راه مده. و شرط غیرت نگاه دار.»

گشتی در متون ادب

آتش دوزخ برهاند.

و نشاید که زنان به مردان نامحرم نگرند و اگر چه آن مرد نابینا بود که در خیر آمده است از رسول علیه السلام که مردی بود از یاران که او را عبدالله بن ام مکتوم گفتندی و نابینا بود. روزی در خانه رسول در میان زنان نشسته بود. پیغامبر علیه السلام درآمد، گفت: یا عایشه روا نباشد مر زن را پیش مرد نامحرم نشستن. عایشه گفت: یا رسول الله او نابیناست. گفت: او ترا نمی‌بیند، تو او را می‌بینی.

و اما زن چنان باید که با شوهر، در ظاهر و باطن یکی بود و به اندک و بسیار قناعت کند و اقتداء به فاطمه زهرا کند تا کدبانوی بهشت گردد. و آن زن که بر مرد عزیز بود و در دل او دوست بود یکی به بزرگ داشتن شوی بود و دیگر به فرمانبرداری و به نگاه داشتن سود و زیان. سه دیگر به آراستن خویشتن و نهفته بودن اندر خانه و پروردن فرزندان و نیکو داشتن کسان خویش. چهارم آنکه پیش شوی افرشته و خوش برآید و حاجت محال و چیزی که ممکن است نباشد نخواهد و لجاج نکند و راز شوهر خویشتن نگاه دارد به حضری و غایبی.

عنصرالمعالی صاحب قابوسنامه را در کتابش سخنانی است نغز و پرمغز در باب «آیین زن خواستن». و این سخنان را هنوز هم که هنوز است اعتباری است عظیم در باب ازدواج و صفت زوجین. کلماتی از

از کتبی که بیش از هر اثر دیگری راجع به سیاست مُدُن و یا علم الاجتماع صحبت کرده‌اند، کتب اخلاقی است که بیشتر با عنوان «اخلاق» نیز شهرت دارند. از جمله آنهاست «اخلاق ناصری» نوشته خواجه نصیرالدین طوسی، حکیم و نظریه پرداز و دانشمند بزرگ جهان اسلام و ایران در قرن هشتم هجری. از این کتاب شمه‌ای راجع به زن برگزیده‌ایم که از نظر شما می‌گذرانیم.

و اما تشبه زن ناشایسته به جباران چنان بود که کسل و تعطیل دوست دارد و فحش گوید و تجتی بسیار نماید و خشم بسیار گیرد و از آنچه موجب خشنودی و خشم شوهر بود غافل باشد و خدم و حاشیه را بسیار رنجاند. و اما تشبه او به دشمنان چنان بود که شوهر را حقیر شمرد و با او استخفاف کند و درشتخویی نماید. و جُحود احسان او کند و از او حقد گیرد و شکایت کند و معایب او باز گوید. و اما تشبه او به دزدان چنان بود که در مال او خیانت کند و بی حاجت از او سؤال کند و احسان او حقیر شمرد و در آنچه کاره آن بود، الحاح کند و به دروغ دوستی فرا نماید و نفع خود بر نفع او ایثار کند.

و اما تشبه زن شایسته به مادران چنان بود که قربت و حضور شوهر خواهد و غیبت او را کاره بود و رنج خود در طریق حصول رضای او احتمال کند، چه مادر با فرزند همین طریق سپرد. و اما تشبه او به دوستان چنان بود که بدانچه شوهر بدو دهد قانع بود و او را در آنچه از او باز دارد و بدو ندهد معذور داند و مال خویش از او دریغ ندارد و در

اخلاق با او موافقت نماید. و اما تشبه او به کتیزکان چنان بود که مانند پرستاران تذلل نماید و خدمت به شرط کند و بر تندخویی شوهر صبر کند و در افشای مدح و سترعیب او بگوشد و نعمت او را شکر گزارد، و در آنچه موافق طبع او نبود با شوهر عتاب نکند.

درة الناج کتابیست از علامه قطب الدین شیرازی در باب حکمت عملی و سیر و سلوک. علامه در بخش حکمت عملی و در فصلی راجع به سیاست منزل که آنرا «حکمت منزلی» می نامد، مطالبی دارد خواندنی. به این مطالب توجه کنید:

«و باید که زن پارسا و خوش خو و زاینده و بکر و عالی نسب باشد. و گفته اند که از پنج زن دور باید بودن: یکی حنانه که به مال تو بر فرزندی که از شوهر دیگر دارد و بر خویشان خویش مهربانی و شفقت کند. و دوم از متانه که به مال و جاه خود و پدر خود بر تو همیشه منت نهد. و سیم آنانه که از پیش راحتها از شوهر گذشته دیده باشد و هر وقتی که آنرا یاد دارد ناله بر فوات آن کند. و چهارم کیه القفا که به سیرت ناپسندیده و ترک عفت از هر کسی داغی به بدگفتن بر قفای وی و شوهرش می نهد. و پنجم از خضراء الدمن یعنی سبزه ای که بر سرگین رسته باشد تروتازه و خوش منظره باشد اما اصلش ناپاک باشد که چنین زنی غالباً سلیطه و بدفعل پیدا شود.»

«و باید که با زنان به خوشرویی و تحمل از ایشان و صبر بر اقوال و

فارسی (درباره زن)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات
جامع علوم انسانی

افعال خلاف عقل که از ایشان صادر شود و سخن خوش و تنزل به مقام و عقل ایشان و مزاج و بازی به اعتدال با ایشان و فراح داشتن نفقه به حسب حال خود بر ایشان و تعلیم دادن ما لا ید دین و مسلمانی مر ایشانرا که این جمله که ذکر رفت از فعل و قول مصطفی صلی الله علیه و سلم و معاملات او با ازواج طاهرات منقول است.»

کتاب لطائف المعارف نوشته ثعالبی کتابی است که به قول نویسنده اش مطالب آن از کتب متعدد جمع آوری شده و در پیرامون امور نغز و آموزنده نامداران دانش و ادب و کارهای بدیع و شگفت انگیز و نکته های نادر و غریب آنان است. این کتاب درباره حضرت فاطمه زهرا (ع) مطلب دارد خواندنی:

«شریف ترین زنان از جهت نسب فاطمه (ع) است. پدرش سرور مردم، محمد صلی الله علیه و سلم و مادرش ام المؤمنین خدیجه و شوهرش سرور اوصیاء علی رضی الله عنه و دو پسرش دو سرور جوانان بهشت هستند.»

در جای دیگر می نویسد: «نخستین شهیده از زنان سیمه مادر عمار است. او در مکه اسلام خود را آشکار کرد. قریش او را رنج و عذاب می داد تا از اسلام برگردد. ولی او بر ایمان خود ثابت ماند. ابوجهل نیزه ای بر گودی سینه او زد و او از آن ضربت شهید شد.»

